

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال چهاردهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۹
صفحه ۴۱ تا ۵۸

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده (با تأکید بر استان آذربایجان شرقی)

رقیه واحدی / دانشجوی دکتری (جامعه‌شناسی سیاسی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران،
rogayehvahedi@yahoo.com
ملکتاج خسروی باب اناری / استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی،
تهران، ایران. استاد راهنما (نویسنده مسئول) m.khosravi511@yahoo.com

چکیده

نگرش و مشارکت سیاسی (به‌عنوان ابعاد جامعه‌پذیری سیاسی) زنان، نقش بسزائی در توسعه و نوسازی هر کشوری دارد. در این میان استفاده از ظرفیت و پتانسیل سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) می‌تواند یکی از راه‌های بهبود مشارکت و جامعه‌پذیری سیاسی زنان باشد. براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده (با تأکید بر استان آذربایجان شرقی) تدوین شده است. پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی و از نظر روش اجرا، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان سرپرست خانوار عضو سمن‌های فعال در حوزه زنان استان آذربایجان شرقی بودند که با استفاده از فرمول کوکران ۲۸۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است. نتایج نشان داد که سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده استان آذربایجان شرقی نقش مثبت و معنادار داشته‌اند. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت سمن‌های فعال در حوزه حمایت از زنان سرپرست خانوار می‌توانند نقش تأثیرگذاری در افزایش توانمندی‌های زنان و در نتیجه جامعه‌پذیری سیاسی زنان و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی آنان داشته باشند.

کلیدواژه: جامعه‌پذیری سیاسی، توانمندسازی زنان، سازمان‌های مردم‌نهاد، زنان سرپرست خانوار.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۷/۱۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۵/۰۷

مقدمه

از مهم‌ترین پیش شرط‌های رسیدن به توسعه، در تمام کشورها، استفاده از تمام امکانات و منابع موجود، از جمله نیروی زنان، است (نظری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲). در واقع یکی از شاخص‌های اساسی توسعه پایدار و توانمندسازی، مشارکت سیاسی زنان در فرآیند تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹). جامعه‌پذیری سیاسی فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش، خصوصاً وظایف سیاسی در جامعه پی می‌برند. در این فرآیند ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، آداب و رسوم و اعتقادات از جمله مسائل سیاسی، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و امکان دارد. یکی از مشکلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، غفلت از جامعه‌پذیری و گسست نسل‌های مختلف با آموزه‌ها و هنجارهای سیاسی متفاوت، و شکاف میان کارگزاران نظام با بخشی از جامعه (به خصوص نوجوانان و جوانان) است. (کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

در عصر کنونی در بیشتر کشورهای در حال توسعه، زنان برای نیل به خواسته‌ها و کسب فرصت‌های مساوی با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. در این بین مطالعات نشان می‌دهد که برخی از گروه‌های زنان، (زنان سرپرست خانوار) بیش از سایر گروه‌ها، در معرض تبعیض و پیش‌داوری قرار دارند. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند که نقش بازتولیدی، آنان را مجبور به کار پاره وقت، انعطاف‌پذیر یا اشتغال خانگی (کار در خانه) می‌کند. اغلب این زنان فاقد مهارت‌های حرفه‌ای و تحصیلات هستند، در نتیجه از وضعیت اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نیستند. در این شرایط همراه با ضعف و فقدان منبع حمایتی و تأمین مالی و اجتماعی مؤثر که ناشی از ناکارآمدی ساز و کار سازمان‌های حمایتی است، زمینه آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار بیش از پیش فراهم می‌شود از نظر جامعه‌شناسان، واژه سرپرست خانواده یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای بر سایر اعضای خانواده دارد و معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسئولیت اقتصادی خانواده به عهده وی است. و بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارد.

باتوجه به اینکه زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار در جامعه و خانواده نقش مؤثری دارند و می‌توانند در رسیدن به توسعه‌ی پایدار مسئولیت‌های جدی و مهمی را به عهده بگیرند. انتخاب موضوع این پژوهش بر اساس همین اصل صورت پذیرفته است که مشارکت زنان، در عرصه

سیاست و تصمیم‌گیری، نقش مهمی در توسعه و نوسازی هر کشور دارد و با درک اهمیت این مشارکت، هر کشوری باید تلاش کند که موانع فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مشارکت زنان را رفع کند تا زمینه‌ی دستیابی به رشد و شکوفایی جامعه در همه عرصه‌ها فراهم آید. پایگاه زنان، در جامعه‌ی ایران، در چند دهه‌ی اخیر تحولاتی را تجربه کرده است. انبوه زنان که غالباً در جامعه‌ی ایرانی در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته شده بودند، با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقای توانمندی‌های خود دست یافته‌اند و هم‌اکنون طالب سهم بیشتری از مدیریت سیاسی جامعه‌اند (نظری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

در همین راستا بسیاری از سازمان‌هی مردم نهاد هدف خود را بر توانمندسازی زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار متمرکز کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های مورد تأکید در تعریف NGOs خصیصه غیرانتفاعی بودن آنهاست. سازمان‌های مردم نهاد ممکن است به صورت انجمن‌ها یا سازمان‌ها یا بنیادها و تعاونی‌ها فعالیت کنند. این سازمان‌ها جزو نهادهای مدنی هستند که ارتباط مردم با حکومت و نهادهای دولتی ورشد مشارکت‌های اجتماعی اعضای نهادها از طریق آنها صورت می‌گیرد. این نهادها در ایران با عناوین مختلف فرهنگی و اجتماعی و ورزشی و زنان و جوانان و... فعالیت می‌کنند.

با توجه به اهمیت تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی در توسعه سیاسی هر کشور، امروزه زنان به‌عنوان نیمی از شهروندان و کسانی که در فرهنگ‌سازی جامعه نقش عمده‌ای دارند، مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند و لازم است جهت نیل به توسعه پایدار به توانمندسازی آنها توجه خاص مبذول شود. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دست‌یابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند. در این بین توجه به زنان سرپرست خانوار و توانمندسازی اجتماعی و سیاسی آنان در راستای افزایش جامعه‌پذیری سیاسی آنها حائز اهمیت بسیار است. در همین زمینه، پژوهش حاضر درصدد دریافت این حقیقت است که سازمان‌های مردم نهاد چگونه می‌توانند به افزایش جامعه‌پذیری زنان سرپرست خانوار کمک کنند؟

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱- فرهنگ سیاسی

هر فرهنگ سیاسی، توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است. همان‌گونه که ایستارهای افراد بر اعمال آنان تأثیر می‌گذارد، فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران آن، در سراسر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد. مفهوم فرهنگ

سیاسی به دریافت‌های موجود از نظام سیاسی و نگرش شهروندان از آن باز می‌گردد؛ در نتیجه فرهنگ سیاسی به ابعاد ذهنی بنیادهای اجتماعی نظام سیاسی اشاره می‌کند (Pfetsch, 2007:43). از نگاه آلموند و همکارانش، فرهنگ سیاسی عبارتست از مجموعه‌ای از طرز تلقی‌های پایدار، پندارها و احساسات موجود درباره حساسیت‌های جاری جامعه (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۷۴) بنابراین، انطباق جامعه‌پذیری سیاسی، با آرمان‌ها، اهداف و هنجارهای اجتماعی می‌تواند بیانگر هماهنگی نهادهای اجتماعی و کنترل اجتماعی مورد نظر نظام اجتماعی و نظام سیاسی باشد. یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی در ایران نگاه دو قطبی (خودی - غیرخودی) به مسائل جاری جامعه است. (بشیر، ۱۳۹۴: ۳۶).

۲-۱- جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی امروزه یکی از مفاهیم بنیادین و مهم در علوم اجتماعی (به خصوص علوم سیاسی) و روانشناسی است به گونه‌ای که بر طبق آمارهای موجود گرایش‌های بسیاری در حال روی آوری به سمت آن هستند (Chillcotle, 2013). جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، از نظر لغوی به معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با جامعه است (حق شناس، ۱۳۸۷: ۸۴۲) و منظور از اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ (ارزش‌ها و هنجارهای آن) انطباق می‌یابد (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۳۵۰). یکی از ابعاد مهم جامعه‌پذیری که مورد تاکید دولت‌ها و نظام‌های سیاسی است، جامعه‌پذیری سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی روندی آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتارهای پذیرفتنی نظام سیاسی مستقر، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند و هدف از آن تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند (عالم، ۱۳۷۴: ۱۱۷). جامعه‌پذیری سیاسی در عین اشتراک با سایر گونه‌های جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری به معنای عام در اصطلاح جامعه‌شناختی، از جهاتی نیز متمایز است. جامعه‌پذیری سیاسی نیز فرایند آشناسازی افراد با نظام سیاسی جامعه خود و تعیین یابی نسبی ادراکات و واکنش‌های آن‌ها نسبت به پدیده‌های سیاسی است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

از یک نظر، جامعه‌پذیری سیاسی در حکم بازکردن «درب جهان سیاست» به روی کودک است. جهانی مملو از تعهد، میثاق‌ها و پیمان‌ها، مقررات و آیین‌ها و بازیگران و شخصیت‌های سیاسی و دربرگیرنده سیاست‌ها، نمادها و رفتارهای ویژه و مشخص است. همه این عوامل و آگاهی‌ها و آشنایی‌ها، در پیشرفت و تکامل نقش شهروندی و شکل‌گیری خود سیاسی، نقش اساسی دارند (مهرداد، ۱۳۷۶: ۲۷).

۳-۱- کارکردهای جامعه پذیری سیاسی

از جامعه پذیری سیاسی به عنوان یکی از انواع جامعه پذیری، نتایج ذیل انتظار می رود: به وجود آمدن و فرمیابی تدریجی خویشتن سیاسی یا فرایند انتقال فرهنگ سیاسی شامل باورها، ارزش ها، هنجارها، نگرش ها، ایدئولوژی ها، نمادها، احساسات و عواطف (همچون حس وفاداری به نظام و ارکان آن، روح میهن دوستی) و الگوهای رفتاری؛ قدرت یابی بر تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی، کسب اخلاق مدنی، منش دموکراتیک؛ علاقه مندی به فعالیت های سیاسی؛ کسب آمادگی لازم برای نقش پذیری، مشارکت فعال و ایفای مسؤولیت های اجتماعی؛ آشنایی با وظایف، حقوق و نقش های شهروندی سیاسی؛ کسب آمادگی برای تحرک سیاسی و ایجاد تغییرات مناسب؛ حمایت داوطلبانه شهروندان از نظام سیاسی (و در نتیجه ثبات سیاسی)؛ انطباق با وضعیت ها و شرایط متغیر؛ توانایی پیش بینی انتظارات دیگران و واکنش عملی متناسب با آن ها؛ جهت دهی و کنترل احساسات و عواطف سیاسی؛ آشنایی با قهرمانان و اسطوره های تاریخی؛ ایدئولوژی های سیاسی و قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی که در بازی های سیاسی مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرند (مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

۴-۱- سازمان های غیردولتی به عنوان کارگزاران جامعه پذیری سیاسی

اصطلاح سازمان غیر دولتی به اشکال مختلف در سراسر جهان استفاده می شود و با توجه به بافت کلامی که در آن مورد استفاده قرار گرفته، به انواع گوناگون سازمان ها اشاره می کند که در ایران به عنوان «سازمان های مردم نهاد یا سمن» نام برده می شوند. سازمان غیر دولتی در کلی ترین معنایش، به سازمانی اشاره می کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شود، اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد فرد، مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می کند. بسیاری از سازمان های غیر دولتی، سازمان های غیر انتفاعی نیز هستند. بودجه این سازمان ها از طریق کمک های مردمی، دستگاه های دولتی و توسط خود دولت یا ترکیبی از طریق مذکور تامین می شود (شریفیان ثانی، ۱۳۹۰: ۱۲).

بعضی از سازمان های غیر دولتی نیمه مستقل وظایف و کارهای دولتی را نیز انجام می دهند. برخی از این سازمان ها هیچ علاقه ای به سیاست ندارند؛ این در حالی است که برخی از آن ها به منظور تامین منافع اعضای خود صرفاً به لابی گری در دولت می پردازند. از آنجا که اصطلاح «سازمان غیر دولتی» بسیار کلی است، در بسیاری از این سازمان ها ترجیح می دهند از اصطلاح سازمان داوطلبانه خصوصی یا سازمان توسعه خصوصی استفاده کنند. سازمان های مردم نهاد جوانان به سازمان هایی گفته می شود که برای انجام فعالیت و ارائه خدمات داوطلبانه در

عرصه‌های تربیتی جوانان با مشارکت جوانان و بر اساس مدیریت جوانان با استناد به موضوع ماده صد و دوازده قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در اجرای مصوبه شماره ۷۸۶۲ ت ۳۱۲۸۱ ه مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ هیئت محترم وزیران فعالیت می‌نمایند (مبشری، ۱۳۸۷: ۳).

۱-۵- نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی سیاسی

یکی از نقش‌های سازمان‌های جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیر دولتی و مردم‌نهاد، توسعه ظرفیت‌های اجتماعات محلی در قالب توانمندسازی و جلب مشارکت برای پیوند با نهادهای رسمی جامعه است. از دیگر نقش‌های اصلی سازمان‌های غیر دولتی تمرکززدایی از قدرت است. مشارکت مدیریت با سازمان‌های غیر دولتی در برنامه ریزی، تصمیم‌سازی و عرضه خدمات از نمودهای اصلی تمرکززدایی از قدرت است. تمرکززدایی از قدرت دولت محلی و رشد ظرفیت‌ها و ثبات سازمان‌های غیر دولتی اجتماع-محور، توانایی بالقوه ساکنان محلی برای کنترل سرنوشت خود و جنبه‌های مختلف زندگیشان و نیز بهبود اجتماعاتشان را افزایش می‌دهد (Mac Abbey, 2008). محققان بر این باورند که منافع همکاری بین دولت محلی و سازمان‌های غیر دولتی شامل؛ کاهش خطرات و مسئولیت‌ها در بخشی از دولت محلی، به حداقل رساندن بدهی‌های بخش عمومی و بهبود کیفیت سیاست‌های عمومی است (Haque, 2004). بعلاوه سازمان‌های غیر دولتی در موقعیت بهتری برای داشتن دانش محلی، شناسایی فقر شهری و روستایی، فهم نیازها و اولویت‌های مردم محلی و به کارگیری مدیریت مشاوره‌های هستند. گفته می‌شود هر زمان که یک جامعه یا نهاد اجتماعی بتواند مشارکت اعضای خود را برای دستیابی به اهداف خاص یا حل مسئله‌ای جلب کند، آن جامعه دارای سرمایه اجتماعی است. این مشارکت می‌تواند الزام به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هر نوع دیگر باشد. نقش سازمان‌های غیر دولتی در سازماندهی مردم در زمینه‌های محلی به مثابه تقویت سرمایه اجتماعی دیده شده است (سلیانی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

تشویق تشکیل نهادهای مدنی، تقویت آموزش‌های گروهی، استفاده مؤثر از رسانه‌های ارتباطی، اصلاح الگوهای رفتاری کارکنان و مدیران، پایبندی به اخلاقیات، توجه به مصلحت‌عامه و از همه مهمتر، بسترسازی فرهنگ توسعه توسط دولت می‌تواند باعث تقویت نهادهای غیر دولتی و در نهایت ارتقای سرمایه‌های اجتماعی شود (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۸)؛ ظرفیت، ارائه دهنده پتانسیل‌های استفاده از منابع به طور مؤثر و حفظ منفعت در اجرا با کاهش تدریجی سطوح حمایت‌های مالی خارجی است (Kaplan, 1999:14). پس سازمان‌های غیر دولتی برای رسیدن به اهداف و مأموریت‌های خود نیازمند ارزیابی ظرفیت‌های سازمانی و ظرفیت‌سازی اند. یک

سازمان با ظرفیت دارای توانایی انجام وظایف خود به مثابه وجودیستی ستقل، راهبردی و انعطاف پذیر است و ظرفیت سازی در سازمان‌های غیر دولتی اغلب شامل، ایجاد مهارت‌ها و توانایی‌هایی مانند تصمیم‌گیری، تدوین سیاست، ارزیابی و یادگیری می‌شود. (سلیانی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). ظرفیت سازی در سازمان‌های غیر دولتی روشی برای تقویت سازمان بوده تا بتواند مأموریت مشخص خود را اجرا کرده و بنابراین پا برجا بماند. ظرفیت سازی همچنین فرایندی در حال پیشرفت است که سازمان‌ها را برای بازتاب پیوسته بر کارشان، سازمان و هدایت کرده و تضمین می‌کند آنها در حال تکمیل فعالیت‌های خود هستند (LaFond and Brown, 2003:164)

۲- پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی اجرا شده در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان در سه حوزه تقسیم بندی کرد: حوزه اول تحقیقاتی است که به مفهوم کلی جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته‌اند: بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی (کمالی اردکانی، ۱۳۷۴) بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی (سبزی پور، ۱۳۸۵)؛ و سنجش میزان تحقق جامعه‌پذیری رسمی در نسل جدید بعد از انقلاب (گل‌وردی، ۱۳۸۳). این گروه از تحقیقات بیشتر توصیفی‌اند و معمولاً با یک روش کمی به گردآوری و تحلیل داده‌ها پرداخته‌اند. نکته مشترک در بیشتر تحقیقات مذکور رسیدن به این نتیجه است که جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جدید، آنگونه که کارگزاران رسمی انتظار داشته‌اند، صورت نگرفته است. حوزه دوم تحقیقاتی است که به ارتباط بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند. تحقیقاتی چون: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی (جهانگیری و بوستانی، ۱۳۸۰)، عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان (زنکنه، ۱۳۸۴)، جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان تهرانی (بررسی فرهنگ سیاسی و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری سیاسی) (روشن، ۱۳۷۵)، سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی (رفیع، ۱۳۸۷)، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی (شیری، ۱۳۸۷)، نتیجه مشترک این گروه از تحقیقات، که با روش کمی اجرا شده‌اند، این است که فرهنگ سیاسی و فرایند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران با نقص‌ها و کمبودهایی مواجه‌اند و در یک کنش متقابل یکدیگر را بازتولید می‌کنند. حوزه سوم تحقیقاتی هستند که هدف اصلی آنها بررسی تأثیر یک یا دو کارگزار مهم بر جامعه‌پذیری سیاسی بوده است. تحقیقاتی چون: نظام آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی (غفاری، ۱۳۷۳)، تحلیل نقش معلمان بر جامعه‌پذیری سیاسی (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶)، نقش معلم در جامعه‌پذیری سیاسی (اطیابی، ۱۳۸۵). بررسی تأثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی (حسینی و دیگران، ۱۳۸۶ و ذوالفقاری زعفرانی و علی‌نیا، ۱۳۸۹) و نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی (اطهی و

امیرانتخابی، ۱۳۸۸). این گروه از تحقیقات نیز، که همانند دو گروه قبلی با روش کمی اجرا شده اند، عمدتاً به بررسی نقش یک یا دو کارگزار بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته و موانع تأثیر کارگزاران بر فرایند را برشمرده اند. نتیجه مشترک همه آنها هم اشاره به تأثیر نسبی کارگزار و موانع ساختاری موجود در فرایند تأثیرگذاری مناسب و عمیق کارگزاران است.

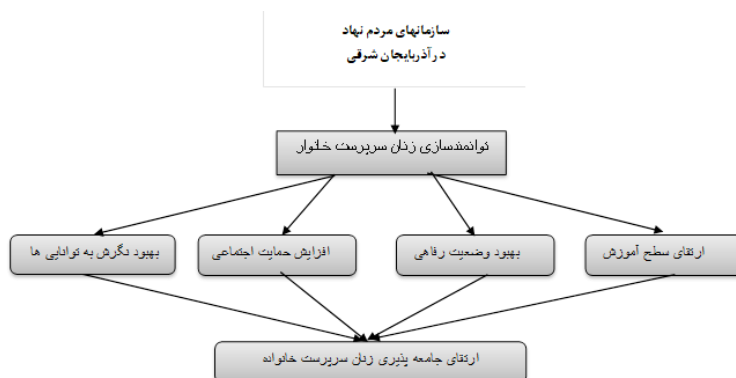
در تحقیقات خارج از ایران، تغییر نگرش و جامعه‌پذیری سیاسی (Searing et al, 1976) جامعه‌پذیری سیاسی و آینده سیاست (Hooge, 2004) دو تحقیق مطرح اند که در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی دختران اجرا شده اند. این دو پژوهش بیشتر به حوزه نظری مفهوم پرداخته اند و بر لزوم توجه به تغییرات اجتماعی فرهنگی جوامع غربی و تأثیر آنها بر جامعه‌پذیری سیاسی تأکید می‌کنند.

اما سه تحقیق مهم دیگر، که در ادامه مطرح می‌شود، به این نتیجه مشترک رسیده اند که زنان تمایل کمتری برای مشارکت سیاسی از خود نشان می‌دهند. حال این تمایل کمتر یا از ضعف آگاهی و اطلاعات سیاسی محدود زنان ناشی می‌شود (تحقیق جنسیت و جامعه‌پذیری سیاسی Soule et al, 2006) یا ناشی از شکی است که به توانایی‌های سیاسی خود دارند (تحقیق درک جنسیتی و کاندیدا شدن سیاسی Fox et al, 2011) یا ناشی از احساس تبعیضی است که تجربه می‌کنند (تحقیق مفهوم مشارکت سیاسی زنان در غنا (Sossou, 2011)).

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی زنان بخصوص زنان سرپرست خانوار کار پژوهشی انجام نشده است همچنین در خصوص توانمندسازی سیاسی زنان و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه نیز پژوهشی انجام نشده است.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است که با هدف کاربردی و با روش پیمایشی انجام شده است. به این ترتیب بعد از انجام یکسری مطالعات اولیه و تحقیقات اکتشافی، متغیرهای اصلی تحقیق را تشخیص و سپس اطلاعات لازم به روش کمی جمع‌آوری شد و مورد تحلیل کمی قرار گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از پرسشنامه استفاده شده است این پرسشنامه دوبخش داده که در بخش اول سوالات استاندارد مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۹۳) ارائه شده است و در بخش دوم سوالات مربوط به توانمندسازی زنان (سعدی و همکاران، ۱۳۹۱) را شامل می‌شود. لازم به ذکر است که رابطه بین متغیرهای پژوهش براساس مدل مفهومی زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.



شکل (۱): مدل مفهومی: براساس ادبیات نظری پژوهش

جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه زنان سرپرست خانوار عضو در سازمان‌های مردم نهاد استان آذربایجان شرقی می‌باشند که تعداد اعضای نمونه براساس جدول مورگان، کرجسی و کوهن تعداد نمونه تحقیق حاضر ۳۸۴ نفر انتخاب شدند و پرسشنامه تهیه شده و در اختیار آنها قرار داده شد. پرسشنامه شامل ۴۸ سوال بود که در دو جدول ارائه شد در جدول (۱) هر متغیر و سوالات مربوطه آن آورده شده است. با توجه به اینکه نمونه‌گیری به دو صورت کلی و غیراحتمالی انجام می‌گیرد، در این تحقیق به علت دستیابی آسان به اطلاعات جامعه آماری مورد نظر، روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی (با استفاده از نظر خبرگان و تایید سوالات توسط آنها) و پایایی (از طریق آزمون الفای کرونباخ) آن در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر	گویه‌های سنجش متغیر در پرسشنامه	آلفا
۱	جامعه پذیری سیاسی	۱ تا ۲۱ جدول ۱	۰/۷۶۱
۲	بهبود وضعیت رفاهی	۱ تا ۸ جدول ۲	۰/۸۲۱
۳	حمایت اجتماعی	گویه ۹ تا ۱۶ جدول ۲	۰/۷۷۴
۴	ارتقای فرهنگی و آموزشی	گویه ۱۷ تا ۲۲ جدول ۲	۰/۷۰۳
۵	نگرش به توانمندی‌های	گویه ۲۳ تا ۲۷ جدول ۲	۰/۸۰۱
۸		کل پرسشنامه	۰/۷۷۲

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و به دست آوردن روش‌های آماری توصیفی که شامل جداول و نمودارها، شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی، فراوانی‌ها و ... می‌باشد، از نرم افزار

Spss22 استفاده می‌شود.

۴- یافته‌ها

۴-۱- آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: سازمان‌های مردم‌نهاد در آذربایجان شرقی از طریق توانمندسازی زنان در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده تاثیر معنادار داشته‌اند.

جدول (۲): آزمون ضریب همبستگی اسپرمن تاثیر سازمان‌های مردم‌نهاد در آذربایجان شرقی

از طریق توانمندسازی زنان در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده

شماره فرضیه	آزمون ضریب همبستگی اسپرمن	تعداد	مقدار r	sig	نتیجه
فرضیه اصلی	تاثیر سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق توانمندسازی زنان در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده	۰/۳۸۴	۰/۶۹	۰/۰۰۰	تایید
فرضیه فرعی ۱	تاثیر سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق بهبود وضعیت رفاهی در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده	۳۸۴	۰/۶۱	۰/۰۰۰	تایید
فرضیه فرعی ۲	تاثیر سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق حمایت اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده	۳۸۴	۰/۴۵	۰/۰۰۰	تایید
فرضیه فرعی ۳	تاثیر سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق ارتقای فرهنگی و آموزشی در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده	۳۸۴	۰/۷	۰/۰۰۰	تایید
فرضیه فرعی ۴	تاثیر سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق تغییر نگرش به توانمندی‌های فردی در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده	۳۸۴	۰/۶۲	۰/۰۰۰	تایید

نتایج فرضیه اصلی نشان داد سازمان‌های مردم‌نهاد در آذربایجان شرقی از طریق توانمندسازی زنان در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده تاثیر معنادار داشته‌اند. یعنی با افزایش یا کاهش توانمندسازی زنان، جامعه‌پذیری سیاسی زنان افزایش یا کاهش می‌یابد. این نتیجه تایید کننده نتایج پژوهش ذوالقدر و الهیاری (۱۳۹۴) است.

جامعه‌پذیری سیاسی از شاخص‌های توسعه سیاسی و سطح بالای جامعه‌پذیری سیاسی از شاخص‌های مهم توانمندسازی زنان در ساختار فرهنگ سیاسی کشور است. با درک این نکته هر کشوری باید تلاش کند تا زمینه‌های دستیابی به رشد و توسعه سیاسی در سایه افزایش توانمندی زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را فراهم نماید. سازمان غیر دولتی

در کلی ترین معنایش، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود، اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین آحاد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند. بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های غیر انتفاعی نیز هستند. بودجه این سازمان‌ها از طریق کمک‌های مردمی، دستگاه‌های دولتی و توسط خود دولت یا ترکیبی از طریق مذکور تامین می‌شود (شریفیان ثانی، ۱۳۹۰: ۱۲).

آزمون فرضیه فرعی اول نشان دهنده این نکته بود که سازمان‌های مردم نهاد در آذربایجان شرقی از طریق بهبود وضعیت رفاهی در جامعه پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده تاثیر معنادار و مثبت دارد. یعنی با افزایش یا کاهش بهبود وضعیت رفاهی، جامعه پذیری سیاسی زنان افزایش یا کاهش می‌یابد. مهم ترین چالش در ایجاد توانایی مشارکت سیاسی و ارتقای آگاهی سیاسی افراد جامعه دغدغه اقتصادی آنان است. بدیهی است افرادی که از نظر اقتصادی شرایط استاندارد داشته باشند آمادگی بیشتر و بهتری برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی داشته و تلاش می‌کنند تا به اترقای سطح دانش سیاسی و اجتماعی خود پردازند براین اساس رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار و بهبود وضعیت رفاهی آنان می‌تواند منجر به افزایش تمایل و رغبت برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی گردد.

نتایج فرضیه دوم نشان داد سازمان‌های مردم نهاد در آذربایجان شرقی از طریق حمایت اجتماعی در جامعه پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده تاثیر معنادار و مثبت داشته است یعنی با افزایش یا کاهش حمایت اجتماعی، جامعه پذیری سیاسی زنان افزایش یا کاهش می‌یابد این نتیجه تایید کننده نتایج پژوهش مافی (۱۳۹۷) می‌باشد. حمایت اجتماعی سبب افزایش سلامت روان و همچنین بهبود کیفیت زندگی می‌شود. افرادی که از حمایت اجتماعی برخوردارند می‌توانند مشکلات خود را با آن‌ها بهتر حل نمایند، حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار می‌تواند سبب کاهش استرس آن‌ها و در نتیجه افزایش توانمندی فردی و اجتماعی آنان گردد.

نتیجه آزمون فرضیه سوم نشان دهنده این نکته بود که سازمان‌های مردم نهاد در آذربایجان شرقی از طریق ارتقای فرهنگی و آموزشی در جامعه پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده تاثیر معنادار داشته است یعنی با افزایش یا کاهش ارتقای فرهنگی و آموزشی، جامعه پذیری سیاسی زنان افزایش یا کاهش می‌یابد. این نتیجه تایید کننده نتایج پژوهش شرف الدین (۱۳۸۷) است.

بدیهی است فرایند جامعه‌پذیری سیاسی در قالب برنامه ریزی آموزشی و آگاه‌سازی در بسترسازی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، و فهم کنش متقابل جامعه آموزشی با حاکمیت نظام سیاسی می‌تواند به تثبیت نظام سیاسی کمک نماید. چنین برنامه ریزی باعث شکل‌گیری هویت سیاسی پویای شهروندان خواهد شد؛ که می‌تواند بر نگرش‌های عمیق و رفتارهای پایدار سیاسی نهادینه شده منجر به شود. بر اساس دستاوردها تربیت سیاسی که در برنامه ریزی درسی می‌توان آن را مورد هدف قرار داد تاثیر پایدار مشارکت سیاسی درک و فهم نگرش دانش‌پذیران برای تجزیه و تحلیل جامعه سیاسی بسیار با اهمیت است، این فرایند بر اساس منجر به ارتقاء سواد سیاسی و توسعه پایدار سیاسی و حکمرانی مطلوب در سطح جامعه خواهد شد؛ و به ثبات سیاسی پایدار جامعه کمک خواهد نمود.

و در نهایت نتایج فرضیه چهارم نشان داد سازمان‌های مردم‌نهاد در آذربایجان شرقی از طریق تغییر نگرش به توانمندی‌های فردی در جامعه‌پذیری سیاسی زنان سرپرست خانواده تاثیر معنادار و مثبت داشته است یعنی با افزایش یا کاهش تغییر نگرش به توانمندی‌های فردی، جامعه‌پذیری سیاسی زنان افزایش یا کاهش می‌یابد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش خسروی و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. کمتر بودن خودباوری در بین زنان نسبت به مردان یکی از دلایل کم بودن مشارکت زنان در عرصه‌ای سیاسی است (مهدوی و محمدجانی، ۱۳۹۴: ۵۹) که این مسئله در زنان سرپرست خانوار با توجه به چالش‌های خاص زندگی‌شان بیشتر به چشم می‌خورد. براساس نتیجه این فرضیه می‌توان گفت که توجه به توانمندی‌های فردی و تقویت و توسعه فردی زنان سرپرست خانوار و افزایش حس خودباوری، اعتماد به نفس و مهارت‌های فردی در آنها می‌تواند راهی باشد جهت نگرش آنان در مورد توانمندی‌های خود و در نتیجه افزایش جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی آنان.

۲-۴- نتایج تحلیل مسیر

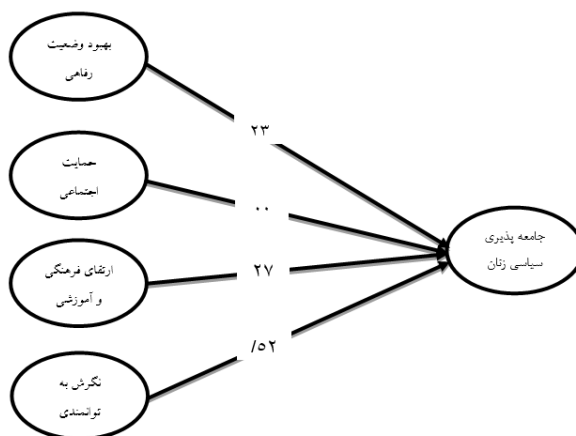
به جهت شناسایی تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم.

جدول (۳): رابطه بین مولفه‌های توانمند سازی و جامعه پذیری سیاسی زنان

متغیر ملاک	متغیر مستقل	R	R ²	F	sig	Beta	sig
جامعه پذیری	توانمند سازی	۰/۹۴	۰/۸۹	۷۷۴/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰
	حمایت اجتماعی					۰/۰۰۶	۰/۸
	ارتقای فرهنگی و آموزشی					۰/۲۷	۰/۰۰۰
	نگرش به توانمندی					۰/۵۲	۰/۰۰۰

با توجه به داده‌های جدول فوق می‌توان بیان داشت که سطح معنی داری مدل ۰/۰۰۰ کوچکتر از ۰/۰۵ است و بین مولفه‌های توانمند سازی و جامعه پذیری سیاسی زنان در سطح ۹۵ درصد رابطه وجود دارد شدت رابطه بین دو متغیر ۹۴ درصد است و متغیرهای مستقل ۸۹ درصد متغیر وابسته را پیش بینی می‌کند.

از میان متغیرهای مستقل که بر مبنای مدل نظری تحقیق دارای تاثیرات مستقیم بر متغیر جامعه پذیری سیاسی زنان بودند، متغیرهای حمایت اجتماعی؛ بهبود وضعیت رفاهی؛ ارتقای فرهنگی و آموزشی و نگرش به توانمندی به علت اینکه سطح معناداری آزمون بتای آنان است دارای تاثیر معناداری بر جامعه پذیری سیاسی زنان سرپرست خانوار هستند. به این ترتیب مدل تجربی تاثیرات مستقیم متغیرهای مستقیم بر میزان جامعه پذیری سیاسی به شکل زیر است:



شکل (۲): تحلیل مسیر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از شاخص‌های اساسی توسعه پایدار، توانمندسازی زنان در فرآیند تصمیم‌گیری‌های ملی است و لازمه دستیابی به این شاخص جامعه‌پذیری سیاسی آنان است. در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی می‌توان نقش سمن‌ها را تاثیرگذار دانست؛ امروزه با فعالیت برخی گروه‌های سیاسی در قالب سمن‌ها شاهد تولد برخی سمن‌ها هستیم که کار کردی به جز کارکرد سیاسی ندارند هرچند نمی‌توان زحمات معدود سازمان‌های مردم‌نهادی که وظایفشان را به نحو احسن انجام می‌دهند. براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در افزایش جامعه‌پذیری زنان سرپرست خانوار انجام شد و نتایج زیر بدست نشان داد سمن‌های فعال در حوزه حمایت از زنان سرپرست خانوار می‌توانند نقش تاثیرگذاری در افزایش توانمندی‌های زنان و در نتیجه جامعه‌پذیری سیاسی زنان و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی آنان داشته باشند. همانطور که می‌دانیم، مشارکت سیاسی از شاخص‌های توسعه سیاسی است که سطح بالای آن از شاخص‌های مهم توانمندسازی زنان در حوزه جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد. با توجه به دیدگاه‌های نظری، تئوری‌ها و پیشینه مورد بررسی و نتایج آزمون فرضیه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که سازمان‌های مردم‌نهاد مورد بررسی در افزایش توانمندی زنان سرپرست خانوار از نظر اجتماعی، اقتصادی و... و به تبع آن جامعه‌پذیری سیاسی آنان، تأثیر بسیار چشمگیری دارند. با توجه به نتایج حاصله، می‌توان به اهمیت سرمایه‌گذاری و اعمال سیاست‌های مناسب زمینه‌توانمندسازی زنان پی برد. در واقع، توانمندسازی زنان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، علاوه بر اینکه به افزایش و ارتقای توسعه انسانی و افزایش رشد اقتصادی در بلندمدت منجر خواهد شد، می‌تواند به افزایش اشتغال در جوامع، گسترش فضای سیاسی کشور، بهبود رابطه متقابل دولت و شهروندان، کاهش شکاف جنسیتی، ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و رشد جامعه مدنی کمک کند و به طور کلی باعث شتاب گرفتن توسعه در جوامع شود (نیکوقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲۷).

۶- پیشنهادات

باتوجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود:

- سازمان‌های مردم‌نهاد برنامه‌های آموزشی در جهت پرورش شخصیت، تجربیات و گرایش‌ها و ارزش‌ها و معرفت فردی زنان سرپرست خانوار در زمینه آگاه‌سازی سیاسی آنها از فرایندهای سیاسی جامعه برگزار نمایند.

- سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش واسط (تسهیل‌گری و حمایت) برای ظرفیت‌سازی، مشارکت و همکاری با بخش خصوصی، ارائه‌دهنده خدمات مناسب دولتی و نظارت بر اقدامات بخش دولتی و شفاف‌سازی این اقدامات در حوزه مشارکت سیاسی زنان را بازی کنند.

- سازمان‌های مردم‌نهاد همانند تربیون آزاد برای اقشار مختلف به ویژه زنان و نیز به منظور توانمندسازی اجتماعات (از جمله زنان سرپرست خانوار) می‌توانند در عرصه‌های مختلف و متنوع سیاسی، ظرفیت‌سازی کنند.

استفاده از ویژگی‌های بنیادین این نهادهای غیررسمی؛ مانند (مردمی بودن، ارتباط‌گیری آسان و نداشتن قید و بندهای معمول سازمان‌های دولتی) می‌توان برای همگرایی و ارتباط بیشتر با زنان سرپرست خانوار استفاده و ارزش‌های سیاسی کشور را ترویج کرد و بدین وسیله در تحکیم منافع ملی کشور تاثیرگذار بود.

منابع و مآخذ:

- ابطحی، صفی ناز السادات، (۱۳۹۴) توانمندسازی زنان و مشارکت سیاسی در ایران، مطالعه موردی: دوره جمهوری اسلامی، **فصلنامه سیاست**، سال ۲، شماره ۷: ۸۲۰-۶۵.
- احمدپورترکمانی، بابک؛ ازکیا، مصطفی و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷) تبیین جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهر تهران (سال ۱۳۹۶)، **مجله جهانی رسانه** نسخه فارسی، دوره ۱۳، شماره ۱: ۹۲-۶۶.
- اطهری، سید اسدالله؛ امیرانتخابی، شهروود (۱۳۸۸). «نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی»، **مجله مدیریت فرهنگی**، س ۳، ش ۳، بهار.
- اطیبایی، فریبا (۱۳۸۵)، «نقش معلم در جامعه‌پذیری دانش آموزان»، **ماهنامه آموزشی تربیتی پیوند**، ش ۳۲۹.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ایمانی، محمدتقی (۱۳۶۹) **جامعه‌پذیری سیاسی**، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۳.
- بشیر، حسن و دیگران «مذاکره بین‌المللی به‌عنوان ارتباطی میان فرهنگی»، **مطالعات میان فرهنگی**، سال دهم، ش ۲۴، بهار ۱۳۹۴، تهران، ۹-۴۱.
- جهانگیری، جهانگیر؛ بوستانی، داریوش (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی افراد بیست سال به بالای شهر شیراز)»، ش ۲، دوره ۱۶، **مجله علوم اجتماعی و انسانی** دانشگاه شیراز.
- چیلکوت، رونالد، (۱۳۷۷)، **نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای**، ترجمه وحید ده‌زرگی و علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، رسا.
- حسینی، سید حسن و دیگران (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)»، **مجله تخصصی جامعه‌شناسی**، س اول، پیش شماره اول.
- حسینی، میرزاحسن (۱۳۸۹). تأثیر استراتژی‌های سازمان‌های غیردولتی در ایجاد و ارتقاء سرمایه اجتماعی. **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**. سال پنجم، شماره اول. صص ۱۰۰-۸۲.
- حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۸۷). **فرهنگ معاصر هزاره**. تهران: فرهنگ معاصر.
- خسروی، محمدعلی؛ دهشیار، حسین؛ ابطحی، صفی ناز سادات (۱۳۹۱) چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در ساختار تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات بین‌الملل**، (۲۰): ۱۳۲-۹۹.
- ذوالفقاری زعفرانی، رشید؛ علی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه منطقه رودهن»، **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، س ۳، ش ۸، پاییز.
- ذوالقدر، مالک و الهیاری، اصغر (۱۳۹۴) آسیب‌شناسی تأثیر سمن‌ها بر توسعه سیاسی ایران: با تأکید بر ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، **فصلنامه منافع ملی**، (۲): ۷۳-۵۳.
- ربانی، رسول و دیگران (۱۳۸۶). «بررسی و تحلیل نقش معلمان بر جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردی منطقه پیر بکران، شهریور ۱۳۸۵)»، **مجله علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان**، ش ۴.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). **آنا تومی جامعه**، تهران: سپه‌پاس انتشار.
- روشن، جمشید (۱۳۷۵). «جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- زنگنه، محمد (۱۳۸۴). «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه استان بوشهر)»، **نامه پژوهش فرهنگی**، س ۸، ش ۷.
- سبزی‌پور، حامد (۱۳۸۵). «جامعه‌پذیری سیاسی، مروری کوتاه بر ادبیات موضوع»، **مجله رشد علوم اجتماعی**، ش ۴، دوره ۱۱.
- سلیمانی، مسعود و وثوقی، منصور (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد دولت در فرایند توسعه محلی، **نشریه توسعه محلی** (روستایی و شهری)، دوره ۸، شماره ۲: ۲۲۰-۱۹۹.
- سعدی، حشمت‌الله؛ شعبانعلی‌فمی، حسین و لطیفی، سیمه (۱۳۹۱) سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان همدان)، **زن در توسعه و سیاست**، دوره ۱۰، شماره ۲: ۱۲۶-۱۰۷.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۸) **پانزده مدل نو سازی، توسعه و دگرگونی سیاسی**، تهران: نشر قومس.
- شریبتان، محمد حسین (۱۳۹۲)، ضرورت جامعه‌پذیری سیاسی در برنامه ریزی درسی، **ویژه‌نامه هشتمین سالگرد انسان‌شناسی و فرهنگ**.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۷) جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی، راه تربیت، شماره ۵، **ویژه‌نامه تربیت سیاسی**.
- شرفیانی‌ثانی، مریم (۱۳۹۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، **فصلنامه مدیریت شهری**، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، شماره ۸.
- شیرینی، حامد (۱۳۸۷). «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی (بررسی فرهنگی سیاسی دانشجویان و نقش تجربه سیاسی در شکل‌گیری آن)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- صالحی، صفی و قاسمی، حاکم (۱۳۹۷) سازمان‌های غیررسمی زنان مسازی و ترویج ارزش‌های فرهنگی ایران، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ۸، شماره ۱: ۱۲۳-۸۹.
- عالم، عبدالرحمان، (۱۳۷۵). **بنیادهای علم سیاست**، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

-نیکو قدم، مسعود؛ قلی زاده امیرآباد، محدثه؛ خوشنودی، عبدالله (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توانمند سازی زنان بر توسعه دموکراسی، **زن در توسعه و سیاست**، دوره ۱۶، شماره ۴: ۶۴۰-۶۲۱.

-هزارجریبی، جعفر؛ کریمی، غلامرضا و فرهادی، عباس (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر روند جامعه پذیری سیاسی دانشجویان در ج.ا.ا، **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، سال ۳، شماره ۹، (پیاپی ۳۹): ۱۱۹-۹۵.

-منابع لاتین:

-Pfetsch, F.R. (2007) **Negotiating Political Conflicts**. PALGRAVE MACMILLAN <http://profile.nus.edu.sg/fass/polhaque/iras-ptnr.pdf> Accessed

-Almond, G; S. Verba (1963): **Civic Culture**, Princeton: Princeton university press.

-Pattijn, H. (2009): political knowledge of last year secondary school pupils in Belgium, **Republica**, vol. 28.no.2.

-Chillcotle, R.H (2013): **Theories of comparative politics; the search for a paradigm**, Colorado: west pres

-Searing, Donald, Wright, Gerald, Rabinowitz, George (1976). the Primacy Principle: Attitude Change and Political Socialization, **British Journal of Political Science**, Cambridge University Press. Vol. 6, No. 1. (Jan. 1976), pp 83-113.

-Sossou, Marie-Antoinette (2011). **We Do Not enjoy Equal Political Rights Ghanaian Women's Perceptions On Political Participation In Ghana**, Sagepub.

-Soule, Suzanne & Nairne, Jennifer (2006). **Are Girls Checking Out? Gender And Political Socialization In Transitioning Democracies**, **Midwestern Political Science Meeting**, Chicago.

-Fox, Richard & Lawless, Jennifer (2011), **Gendered Perception and Political Candidacies, A Central Barrier to the Woman's Equality in Electoral Politics**, American university.

-Kaplan, A. (1999). **The Developing of Capacity, Community Development Resource Association**. Cape Town.

-Coleman, James (1965), **Education and Political Development**, Princeton, Princeton University press.

-قلی پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمند سازی زنان سرپرست خانوار، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال یازدهم، شماره ۴۰.

-کشیشیان سرکی، گارینه (۱۳۹۶). فرهنگ و جامعه پذیری سیاسی در عصر اطلاعات، **رسانه و فرهنگ**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۷، شماره ۲: ۲۰۳-۱۷۳.

-کلنن جیمزه (۱۳۸۴)، **بنیاد های نظری اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی: تهران

-کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۷۴). **بررسی مفهوم جامعه پذیری سیاسی**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

-گل وردی، ابوطالب (۱۳۸۳). «**سنجش میزان تحقق جامعه پذیری سیاسی رسمی در نسل جدید انقلاب (مورد مطالعه دانش آموزان سوم دبیرستان شهرستان اصفهان)**»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.

-لانگه، سارا (۱۳۷۶) **نقش زنان در توسعه**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

-مافی، پریسا (۱۳۹۷). بررسی عوامل تاثیرگذار روانشناختی، مشارکت اجتماعی - سیاسی و سلامت اجتماعی و بر توانمندسازی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) زنان سرپرست خانوار، دومین همایش علوم اجتماعی، **روان شناسی و علوم تربیتی**، جیرفت، همایش گستران.

-میشری، محمد (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی چیست؟، **مجله عصر کیفیت**، شماره نهم و دهم

-مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۴.

-مهدوی، سیدمحمدصادق و محمدجانی، محمدرضا (۱۳۹۴). چالش های جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دختر (ارائه یک نظریه زمینه ای)، **زن در توسعه و سیاست**، دوره ۱۳، شماره ۱: ۷۲-۵۳.

-مهرداد، هرمز (۱۳۷۶)، **جامعه پذیری سیاسی**، چاپ اول، تهران، پازنگ.

-نصیری، فخرالسادات و عبدالملکی، شوبو (۱۳۹۵). تبیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک شده با کیفیت زندگی با نقش میانجی استرس ادراک شده در زنان سرپرست خانوار شهر سمنجان، **جامعه شناسی کاربردی**، دوره ۲۷، شماره ۴ (پیاپی ۶۴): ۹۹-۱۶.

-نظری، مینا؛ علی حسینی، علی؛ امام جمعه زاده، سید جواد؛ پوررنجبر، مهدیه؛ (۱۳۹۳). بررسی رابطه جامعه پذیری و مشارکت سیاسی، **پژوهشنامه سیاسی زنان**، (۱): ۱۸۵-۱۶۱.

-نظری، مینا؛ علی حسینی، علی؛ امام جمعه زاده، سید جواد؛ پوررنجبر، مهدیه (۱۳۹۳). بررسی رابطه جامعه پذیری و مشارکت سیاسی زنان، **پژوهش نامه زنان**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۵، شماره ۱: ۱۸۵-۱۶۱.

-LaFond, A. and Brown, L. (2003). **A Guide to Monitoring and Evaluation of CapacityBuilding**: Interventions in the Health Sector in Developing Countries.

-Mac Abbey, E., (2008). Constructive regulation of nongovernment organizations. **The Quarterly Review of Economics and Finance**, 48, 370–376.

-Haque, M. S. (2004). “Governance based on partnership with NGOs: implications for development and empowerment in rural Bangladesh.” **International Review of Administrative Sciences**. 70(2), 271-290.

Hooge, Marc (2004). **Political Socialization and the Future of Politics**, university of Leuven, E, van Evenstraat, 2B, B3000, Belgium.